

پاسخ‌گویی به مطالبات کارگری به شیوه شاه‌عباسی



شماره ۲۹ بولتن کارگری هسته کارگران پیش‌تاز سوسیالیست خوزستان، ۷ مهر ۱۴۰۲ انتشار می‌یابد و در دسترس شما قرار می‌گیرد. بولتن کارگری را تکثیر و توزیع کنید و در اختیار هم‌قطاران خود قرار دهید.

با سلام و عرض خسته نباشید خدمت همه‌ی شما رفقای کارگر و زحمتکش

دیروز خبری در رسانه‌ها دیدیم که بعد از خواندنش نزدیک بود سر کله‌امان یک جفت شاخ سبز شود، البته ما بدتر از این را هم انتظار داریم و دیده‌ایم. ولی به هر حال، ساده‌لوحانه فکر می‌کردیم که این صاحب کارهای ابله و دولت ابله‌تر از خودشان لااقل از اعتراضات مردمی این چندساله درسی گرفته باشند و اندکی ماست‌هایشان را کیسه کرده باشند، اما انگار آن ضرب‌المثل قدیمی خودمان درست است که می‌گوید: "دم سگ را صد سال به قالب کردند و وقتی در آوردند. هنوز کج بود". این ضرب‌المثل واقعاً نقل این ابلهان است. این‌ها شیوه دیگری به جز سرکوب می‌دانند، آن هم سرکوب به شیوه شاه‌عباسی.

اصل خبر این بود که براساس شکایت کارفرمای گروه ملی فولاد ایران، شرکت صنعتی بازرگانی شفق راهیان اکسین، و گزارش حراست گروه ملی فولاد، ۱۷ نفر کارگر معترض که در تظاهرات سال گذشته شرکت داشته‌اند محاکمه شدند و دادگاه برای رفقای کارگرم‌ان مهدی ولی‌پور، خالد شریفی، رعید عبیدوای، طارق خلفی، سیدرسول چراگ، نادر حردانی، علی نادری، مهدی نگرآوی، مسعود حیدری، عبدالحسین حمیدی‌پور، مصطفی عبیات، عبدالکریم سیاحی، کاظم حیدری، علی‌الهی‌فر، هادی وائلی‌زاده، حسن جاوید حمودی و غریب حویزاری حکم جریمه، زندان و شلاق صادر کرد. البته این حکم شلاق به مدت سه سال به حالت تعلیق خواهد بود؛ یعنی این‌که اگر ظرف این سه سال دست از پا خطا کنید دوباره به سراغتان می‌آئیم. یعنی سه سال خفه شوید و جیک نزنید، هیچ مطالبه‌ای مطرح نکنید، حرفی از کم‌حقوقی و یا بی‌حقوقی نزنید. این حکم در واقع هشدار است به بقیه کارگران هم هست؛ نه تنها کارگران فولاد، بلکه هر کارگری در هر گوشه و کنار ایران، از جمله من و شما. این‌ها قبلاً هم کارگران آق‌دره را شلاق زدند. فکر می‌کردند صدای ما با این شلاق زدن‌ها خاموش می‌شود؛ اما خیال باطل! کور خوانده بودند.

این حکم را دادگاهی صادر کرد که متعلق به دولت بی طرف است و ارگانی اجرا کرد که بازهم متعلق به همان دولت است. همه این اعمال به خوبی نشان می دهد که این دولت از چه گروهی حمایت می کند، از دسته صاحب کارها. اگر نه، با آدم‌هایی امثال اسدیگی چه کردید؟ خاوری کجاست؟ چرا دست مقامات امور استخدامی را که از تصویب طرح آبکی سامان دهی استخدام کارکنان دولت که غایبندگان انتصابی خود همین نظام مطرح کرده‌اند، رو نمی کنید؟ چرا نمی گوئید منافع این آقایان اجازه نمی دهد، چون خودشان جزو کله‌گنده‌های شرکت‌های پیمان کاری هستند؟ چرا دزدی‌های میلیاردی سپاه و وابستگان به بیت را پی گیری نمی کنید؟ اما به جای آن کارگران را شلاق می زنید و صدای آن‌ها را خفه می کنید. مشخص است که این دولت نگرهبان سرمایه دارهاست و ابداً ربطی به ما کارگران و زحمتکشان ندارد. دولت ما دولتی ست که به دست خودمان و از طریق شوراها خودمان ساخته می شود. این ما کارگران هستیم که باید پایه‌های این دولت را بریزیم. مبارزه با این ظلم‌ها و ستم‌ها زمانی بیش تر ملموس و واقعی می شود که ما بتوانیم سازمان‌های مخفی خودمان را تشکیل بدهیم و مبارزات کوچک و منفرد را به هم گره بزنیم و خود را برای پرش نهایی کسب قدرت آماده کنیم.

همین مورد حکم شلاق را در نظر بگیرید. شلاق! آن هم در قرن بیست و یکم! در زمانی که سفینه‌های فضایی کهکشانی راه شیری را پشت سر گذاشته‌اند و دارند همچنان توی فضای لایتهای پیش می روند. در چنین شرایطی این گوش درازها به دوسه هزار سال پیش برگشته‌اند و ما کارگران را مانند بردگان باستانی به جرم نافرمانی و اعتراض شلاق می زنند.

جرم این کارگران "اخلال در نظم عمومی از طریق ایجاد هیاهو و جنجال" بوده است. کسی بپرسد این هیاهو و جنجال بر سر چه بود؟ این هیاهو در واقع، اعتراض کارگران به وضع مدیریتی شرکت، وضعیت حقوقی و عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل بود. اگر این مسائل مرتبط به ما کارگران نیست و ما نباید درباره آن حرفی بزنیم، پس متعلق به چه کسی است. این مسئله همه ما کارگران است و طبیعی است که بر سر آن دادوهارهم می کشیم و هشدار داده باشیم؛ در زمان مناسب چوب و چماق هم می کشیم؛ برای این که شما در ظرف چهل و چهار سال گذشته نشان دادید که کور و کر هستید و وضعیت مردم را نمی بینید و شکایت‌های آنان را نمی شنوید.

صاحب کارها ما را اخلال گر خطاب می کنند، آدم‌هایی وحشی و بدون منطق که تنها با زبان شلاق می شود با آن‌ها حرف زد.

خیر آقایان! ما اخلال گر نیستیم؛ در واقع بسیار هم منطقی و صلح طلب هستیم. ما کاملاً دوستانه و با صدایی آرام و متین به شما می گوئیم سال‌هاست که شما از گرده ما تسمه کشیده‌اید. سال‌هاست که از ثمره دسترنج ما کاخ‌ها ساخته‌اید و آفازاده‌هایتان را روانه فرنگ کرده‌اید و خودتان هم کفش و کلاه کرده، آماده‌اید که اگر اتفاقی افتاد به سرعت نزد همسران و فرزندان خود در بلاد فرنگ بروید؛ و ما چیزی برای خوردن نداریم. ما داریم در کوخ‌ها زندگی می کنیم، گاه حتی شام شب هم نمی توانیم تهیه کنیم. پولی که بابت حقوق به ما می دهید در میانه ماه ته می کشد. فرزندان ما به عوض مدرسه رفتن سر چهارراه‌ها فال حافظ و گل می فروشند. حالا لطف کنید و کنار بروید. لطفاً سررشته امور را بسپارید به دست ما تا عدالت را به معنای واقعی اجرا کنیم. اما آیا شما قبول می کنید؟ البته نمی کنید! شما به محض آن که ما دهان باز کنیم، دهان بند می زنید، حکم شلاق می دهید. توپ‌ها و تانک‌هایتان را در خیابان‌ها به رخ ما می کشید و کشور را می کنید یک پادگان نظامی، وضعیت همین امروز سیستان و بلوچستان، لرستان، کردستان، خوزستان و گیلان را نگاه کنید. این شما آقایان هستید که خشونت را به ما تحمیل می کنید. شما به خوبی می دانید که بین ما و شما آشتی برقرار نخواهد شد. تنها یکی از ما دوطرف می تواند حکومت کند. یا شما و یا ما. تا به حال شما بودید. بسیار خوب، حالا ما می خواهیم کفه را به نفع خودمان سنگین تر کنیم.

شما انتظار دارید که ما خفه شویم، حتی اگر شده با حکم شلاق؛ اما ما دیگر تحمل مان تمام شده. حکم شلاق شما نه یک سیلی به گونه کارگران فولاد اهواز، بلکه تازیانه‌ای به کرامت انسانی همه ما کارگران ایران است و شما سزایش را پس خواهید داد. دور نیست.

رفقای کارگر و زحمتکش

این حکم‌ها توهینی به کرامت انسانی همه ما است. ما بحثی از عادلانه بودن نمی کنیم چرا که عدالت ما نیز با عدالت آنان فرق دارد. بحث ما بر سر معیارهای انسانی است. ما کارگریم، شرف داریم، زحمت می کشیم و آجر آجر این مملکت را ما روی هم می گذاریم. برده عهد باستان که نیستیم، چهارپا که نیستیم.

آیا کسی از ما کارگران می‌پذیرد که فردی وارد خانه‌اش شود و به خانه و خانواده او تعرض کند؟ آیا کسی می‌پذیرد که در خیابان مورد هتک حرمت قرار بگیرد و حرفی نزند؟ این حکم در واقع تعرض و هتک حرمتی به تک‌تک ما کارگران است. تعرض و هتک حرمتی به خانه و خانواده ما.

ما باید با این تعرض مقابله کنیم. ما نباید ساکت بنشینیم. اما تجربه نشان داده که وقتی تنها یک کارگر، و یا چند کارگر اعتراض می‌کنند این‌ها صدای کارگران معترض را خاموش می‌کنند. دستگیرشان می‌کنند. شکنجه‌اشان می‌کنند. اما آیا ممکن است صدای ده‌ها هزار کارگر در صدها کارخانه را خاموش کرد؟ آیا می‌شود هزارها کارگر را دستگیر کرد و به زندان انداخت؟ اولین لطمه چنین عملی را سرمایه‌داران و صاحب‌کارها خواهند خورد که صنایع و کارخانه‌جات‌شان به علت دستگیری همه کارگرها تعطیل خواهد شد.

اگر همه ما یک‌زبان یک‌فـه بزرگ بگوئیم آیا این‌ها جرات می‌کنند چنین اهن و تُلپ‌هایی به‌راه بیاندازند و کارگران را به تخت شلاق ببندند؟

مطمئنانه!

اتحاد و عمل مشترک ما می‌تواند تودهنی محکمی به این گوش‌درازاها بزند. ما تنها در سایه وحدت و عمل مشترک خود می‌توانیم از این تعرض جلوگیری کنیم، وگرنه دیر یا زود این شتر در خانه همه ما خواهد خوابید

پیروز باشید

* پیش‌به‌سوی ساختن هسته‌های مخفی کارگران پیشتاز سوسیالیست!

* پیش‌به‌سوی اتحاد کارگران پیشتاز بر محور یک برنامه اقدام کارگری!

* پیش‌به‌سوی اتحاد عمل سراسری کارگران و تشکیل ستاد رهبری کارگری!

* پیش‌به‌سوی برقراری حکومت کارگری و جامعه آزاد سوسیالیستی!

هسته کارگران پیشتاز سوسیالیست (خوزستان)